

## پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی معاصر موردپژوهی: فضاهای سکونتی کرمانشاه از سال ۱۳۶۰ تا کنون<sup>۱</sup>

معین آقایی مهرآ، مینو قره‌بگلو، محمدتقی پیربابایی<sup>۲</sup>

دکترای معماری اسلامی، استادیار گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران

دکترای معماری، استاد گروه معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

دکترای معماری، استاد گروه معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

### چکیده

هویت فرهنگی و تحلیل ابعاد و مولفه‌های آن، از مهم‌ترین مسائل پیش روی جوامع درحال توسعه است که به مفهومی پر تناقض و پیچیده تبدیل شده است. یکی از کلان‌شهرهای درحال توسعه، شهر کرمانشاه است که به‌ویژه با بلندمرتبه‌سازی‌های دهه‌های اخیر، فرهنگ سکونت و معماری سکونتگاه‌های آن دگرگون شده است. سؤال پژوهش این است که هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی چه نسبتی دارد؟ و نسبت پایایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی کرمانشاه در دهه‌های اخیر چگونه است؟ هدف از این پژوهش مطالعه تطبیقی پایایی و پویایی هویت فرهنگی و معماری فضاهای مسکونی شهر کرمانشاه از دهه ۶۰ تا حال حاضر است. در این پژوهش، فضاهای سکونتی ساخته شده در بخشی از محله ۲۲ بهمن کرمانشاه، از دهه ۶۰ تا کنون، در چهار گونه ویلایی اولیه و متأخر و آپارتمانی اولیه و متأخر بررسی شده است. در ادامه با کمک راهبرد پس‌کاوی و روش تحلیل محتوای کیفی مشاهدات گونه‌های سکونتی و مصاحبه‌های ساکنین آن‌ها بررسی و با استفاده از استقرا و قیاس کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها صورت گرفته است. کدگذاری در سه حوزه گرایش‌های فردی، اجتماعی و محیط‌زیست در ارکان ساخت فضاهای سکونتی انجام شده و میزان و نسبت پایایی و پویایی در منابع و قواعد هویت فرهنگی در گرایش‌های سه‌گانه، تحلیل و ارزیابی شده است. در نهایت شدت و ضعف پایایی و پویایی در هر یک از مولفه‌ها در فرهنگ سکونت و معماری فضاهای سکونتی مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: پایایی و پویایی، کرمانشاه، فضاهای سکونتی، هویت فرهنگی

۱- مقاله حاضر مستخرج از رساله دکترای تخصصی رشته معماری اسلامی دکتر معین آقایی‌مهر است که با عنوان «تبیین پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی (موردپژوهی: مجموعه‌های مسکونی منتخب شهر کرمانشاه)» به راهنمایی دکتر مینو قره‌بگلو و دکتر محمدتقی پیربابایی در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام شده است.

2- Phone: =989183390576 - Email: Disa.ag@gmail.com – Orcid ID: 0000-0002-1415-9608

۳- نویسنده مسئول مکاتبات: آدرس: تبریز، خیابان ارتش جنوبی، خیابان ارگ جدید، دانشکده معماری و شهرسازی ۴۱۳۵۵۴۱۸۱۲.

E-mail: m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir - Orcid ID: 0000-0003-2639-2906

4- Phone: +989123220118 – Email: pirbabaee@tabriziau.ac.ir - Orcid ID: 0000-0002-6305-9611

## مقدمه

امروزه کشور ایران و اغلب کشورهای اسلامی، بیش از هر زمان بر روی مسئله فرهنگ و هویت فرهنگی تمرکز کرده‌اند و در نقشه جامع علمی ایران، به توجه بر مسئله هویت اسلامی- ایرانی به شکل‌های گوناگون تاکید شده است. فقدان منابع و پژوهش‌های مدون در این حوزه، بر پیچیدگی‌ها و ابهام‌های موجود می‌افزاید و به ناکارآمدی آن‌ها در تحقق هویت‌مندی معماری و تحولات معاصر شهری می‌انجامد (آقای‌مهر و قره‌بگلو، ۱۳۹۹). آنچه اهمیت پرداختن به مسئله هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی را دو چندان می‌کند، تحولات بسیاری از عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله شیوه زندگی، الگوهای رفتاری خانواده است که هم‌زمان با دگرگونی‌های فضاهای سکونتی و معماری و شهرسازی سکونتگاه‌ها رخ داده است. از این منظر محور هویت‌یابی (خودیابی)، مناسبات و کنش‌های انسانی است و محیط فرهنگی در تکوین، استمرار و تحول هویت نقش مؤثری دارد و کالبد معماری در فضاهای سکونتی به‌عنوان پدیده (محصول) فرهنگی، هم‌مظهر تجلی ارزش‌های فرهنگی است و هم بستر شکل‌گیری رفتارها و کنش‌های اجتماعی است (آقای‌مهر، قره‌بگلو و پیربایبی، ۱۴۰۲) و بررسی رابطه متقابل این دو، در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌ها می‌تواند راه‌گشای معماران و برنامه‌ریزان شهری باشد.

مکانیسم کنش انسان در جهان بر اساس اعتبار است (طباطبایی، ۱۳۸۷). اعتبارات اجتماعی به معانی و هویت‌های اجتماعی می‌پردازند که حالتی سراب‌گونه میان حقایق و اعیان دارند و بر مبنای عقل عملی، برای نیازمندی انسان در معیشت اجتماعی کاربرد دارند. انسان، هم‌این اعتبارات ساختاری را می‌سازد و هم مجدداً از آن‌ها برای اعمال عاملیت فردی خود استفاده می‌کند. در نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، ساختار از طریق عمل فرد ساخته می‌شود و عمل فرد در درون ساختار محقق می‌شود. استفاده انسان در عمل اجتماعی از ساختارها، نوعی بازتولید آن‌ها در قالب عمل جدید است (صدیقی، ۱۳۸۹). از کلان‌شهرهای درحال توسعه که از شروع تحولات نوگرایی دوره پهلوی اول تاکنون تحولات بسیاری را به خود دیده است، شهر کرمانشاه است که در دهه‌های پس از جنگ تحمیلی نیز به‌ویژه با افزایش تراکم‌های ساختمانی، آداب سکونت و چهره سکونتگاه‌های آن دگرگون شده است. پژوهش حاضر سعی بر این دارد که با اتکا به نظریه‌های نوین فلسفی و جامعه‌شناسی، به تحلیل هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی دهه‌های اخیر شهر کرمانشاه بپردازد. بر این اساس سؤال پژوهش این است که هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی چه نسبتی دارد؟ و نسبت پایایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی کرمانشاه در دهه‌های اخیر چگونه است؟ هدف کلی از این پژوهش مطالعه تطبیقی پایایی و پویایی هویت فرهنگی و معماری فضاهای مسکونی شهر کرمانشاه از دهه ۶۰ تا حال حاضر است.

## روش پژوهش

در این پژوهش از راهبرد پس‌کاوی و روش تحلیل محتوای کیفی بهره‌گیری شده است. پژوهش حاضر بر اساس هدف و ماهیت و با توجه به اهداف و پیش‌فرض مطرح‌شده تحقیق، به‌صورت توصیفی- تحلیلی و اکتشافی است، چراکه در پژوهش حاضر جهت تحقق و دستیابی به اهداف طرح‌شده تحقیق، ابتدا به بررسی ادبیات و مبانی نظری پرداخته می‌شود، درواقع نوع روش تحقیق توصیفی است. پژوهش شامل روش‌های تطبیقی، مطالعه موردی و تحلیل محتوا به‌صورت نظام‌دار مبتنی بوده است و محقق برای اینکه بتواند مؤلفه‌های هویت فرهنگی مؤثر بر طراحی و

ساخت فضاهای مسکونی را مورد تفحص موشکافانه خود قرار دهد، از روش اکتشافی در این مورد بهره گرفته شده است. در این رهگذر از آن جهت که گردآوری داده‌ها تحقیق نیز در یک مقطع زمانی انجام شده است، تحقیق از نظر زمانی، مقطعی است. تحقیق حاضر بنیادی راهبردی محسوب می‌گردد، زیرا به منظور فراهم ساختن زمینه‌های علمی لازم برای حل مسائل جاری و آتی معماری کشور انجام می‌شود. (جدول ۱)

در گام میدانی، جهت شناسایی هویت کالبدی فضاها و تحولات آن، از مشاهده به‌عنوان ابزار اصلی شناسایی هویت کالبدی فضاهای سکونتی و از مصاحبه برای تحلیل هویت فرهنگی ساکنین استفاده شده است. در تحلیل محتوای کیفی، محتوای پنهان پیام مورد توجه است و به این دلیل نگاه عمیق‌تری به کلمات و عبارات داده‌های کیفی وجود دارد، زیرا ادراکات و تفاسیر پژوهشگر از یک معنای ارتباطی کدگذاری می‌شود (Berelson, 2000). در تحلیل محتوای گونه‌ها و مصاحبه‌های ساکنین فضاهای سکونتی، با استفاده از روش‌های استقرایی و قیاسی به توسعه نظام طبقه‌بندی داده‌های پژوهش پرداخته شد؛ چرا که هسته اصلی در تحلیل محتوای کیفی، ایجاد مقولات و طبقات است (Krippendorff, 2012). بدین ترتیب، در این پژوهش کدهای اولیه مصاحبه‌ها از داده‌های نظری استخراج و دسته‌بندی می‌گردد، تا در گام میدانی مورد بررسی و راستی آزمایی قرار گیرد. در راستای تحقق پایایی پژوهش، در متغیرهای مصاحبه‌ها، از نشانگرهای مختلف برای هر مفهوم چارچوب نظری پژوهش استفاده شده و ۸ مصاحبه پایلوت (پیش‌آزمون) و ۴ مصاحبه برای تأیید اشباع داده‌ها برگزار شده است. پس از مصاحبه‌های پیش‌آزمون، کدهای اولیه مستخرج از چارچوب نظری مورد بازنگری قرار گرفته و نسخه نهایی سوالات مصاحبه و چارچوب نظری طراحی گردیده است. برای روایی بیشتر پژوهش، از صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی و پژوهشگر پژوهشگر با تجربه زیستن در اغلب گونه‌های آزمون و روش روایی محتوایی در تحلیل متغیرهای مصاحبه‌ها استفاده شده است. (جدول ۱)

منابع انگلیسی به صورت انگلیسی نوشته شود. Commented [MA1]:

منابع انگلیسی به صورت انگلیسی نوشته شود. Commented [MA2]:

جدول ۱. روش‌شناسی پژوهش.

راهبرد	پس‌کاوی	استخراج تحولات هویت فرهنگی در جامعه معاصر کرمانشاه و ارتباط آن با تحولات معماری فضاهای مسکونی
روش تحقیق	کیفی	فرایند اجرا، بیان میدانی و مفاهیم، قواعد و هنجارها و رفتارهای فرهنگی در فضاهای مسکونی و تشریح آن‌ها
	بنیادی	استفاده از نظریه ساخت‌یابی در معماری برای حل مسائل جاری و آتی معماری کشور، از نوع تحقیق بنیادی
	کاربردی	تحلیل فرهنگ سکونت در خانواده و فضاهای مسکونی و ارائه مدل عملیاتی برای تحلیل فضاهای مسکونی شهر کرمانشاه و پاسخ به نیازمندی‌ها و حل مضامین موجود
نمونه‌های آزمون		الگوهای فضاهای مسکونی منتخب در بخشی از محله ۲۲ بهمن شهر کرمانشاه
جامعه آماری		ساکنین دارای تجربه زیسته در الگوهای مسکونی استخراج شده از نمونه‌های آزمون
روش‌های گردآوری داده‌ها	گام نظری	مطالعه کتابخانه‌ای
	گام میدانی	مشاهده مصاحبه
روش تجزیه و تحلیل داده‌ها	استدلال منطقی	تدوین چارچوب نظری با داده‌های دست اول و دوم و سوم پژوهش‌گران این حوزه
	تحلیل محتوا	به‌عنوان ابزار اصلی جهت شناسایی پایایی و پویایی در هویت کالبدی فضاها
	استقرایی و قیاسی	به‌عنوان ابزار اصلی بررسی و تحلیل پویایی هویت فرهنگی
		استدلال منطقی در مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی نظری و مفهوم‌سازی
		تحلیل محتوا در تحلیل مشاهدات و مصاحبه و تحلیل یافته‌های مصاحبه‌ها در چارچوب نظری پژوهش
		استقرا و قیاس در کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌های مشاهدات و مصاحبه‌ها

### نمونه‌های مورد مطالعه

در این پژوهش فضاهای سکونت‌ی شهر کرمانشاه و محدوده‌ای از قطعات حدود ۱۵۰ تا ۲۴۰ متری محله ۲۲ بهمن به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. (تصویر ۱) شروع واگذاری زمین‌ها و ساخت خانه‌های مسکونی در این محله با ساخت خانه‌های یک و دو طبقه از اواخر دوره پهلوی بوده و مواجه با پیچیدگی انواع گونه‌های سکونت‌ی موجود در بافت‌های قدیم و طرح‌های نوسازی، بهسازی و احیا و غیره نبوده و بافت نسبتاً یکنواختی از نظر کالبدی (قطعات تفکیکی شمالی-جنوبی با بر ۱۰ تا ۱۲ متر و طول ۱۵ تا ۲۱ متر و هم گونه‌های ساختمانی) و فرهنگی (در منطقه نسبتاً مرفه نشین شهر) دارد و متغیرهای مداخله‌گر در آن دخالت چندانی ندارند. در عین حال، تحولات گوناگون، سیر از خانه‌های ویلایی به نسل اولیه آپارتمان‌های مسکونی و با تداوم ساخت و سازها در سال‌های اخیر نمونه‌های متاخر آپارتمان‌سازی را به خود دیده است. این ویژگی‌ها امکان بررسی تحولات گونه‌های سکونت‌ی را از دهه ۶۰ تا کنون را میسر می‌دارد.



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای محدوده مورد مطالعه پژوهش. مأخذ: گوگل ارث، ۲۰۲۱

با توجه به تغییرات ساختار فضایی در نمونه‌های اولیه ویلایی (دهه ۶۰ و ۷۰) نسبت به نمونه‌های متأخر ویلایی (از اواسط دهه ۷۰ تا دهه ۸۰) و بلندمرتبه‌سازی‌های اولیه که از دهه ۷۰ تا اواسط دهه ۸۰ آغاز می‌گردد و تغییراتی که در بلندمرتبه‌سازی‌ها از اواسط دهه ۸۰ آغاز می‌گردد، نمونه‌های مورد مطالعه در چهار گونه «ویلایی اولیه»، «ویلایی متأخر»، «آپارتمانی اولیه» و «آپارتمانی متأخر» دسته‌بندی شده است. (جدول ۲)

جدول ۲. الگوهای کلی ساختار فضایی گونه‌های مسکونی در محدوده مورد مطالعه.

الگوهای شمالی	الگوهای جنوبی
---------------	---------------

				الگوی فضایی غالب گونه‌های ویلایی
				الگوی فضایی غالب گونه‌های آپارتمانی اولیه شمالی
				الگوی فضایی غالب گونه‌های آپارتمانی متاخر شمالی
آپارتمانی اولیه شمالی	آپارتمانی اولیه جنوبی	آپارتمانی اولیه جنوبی	آپارتمانی اولیه جنوبی	الگوی فضایی غالب گونه‌های آپارتمانی اولیه جنوبی
آپارتمانی اولیه شمالی	آپارتمانی اولیه جنوبی	آپارتمانی اولیه جنوبی	آپارتمانی اولیه جنوبی	الگوی فضایی غالب گونه‌های آپارتمانی اولیه جنوبی
آپارتمانی متاخر شمالی	آپارتمانی متاخر جنوبی	آپارتمانی متاخر جنوبی	آپارتمانی متاخر جنوبی	الگوی فضایی غالب گونه‌های آپارتمانی متاخر جنوبی
آپارتمانی متاخر شمالی	آپارتمانی متاخر جنوبی	آپارتمانی متاخر جنوبی	آپارتمانی متاخر جنوبی	الگوی فضایی غالب گونه‌های آپارتمانی متاخر جنوبی

### جامعه آماری

ساکنین منطقه مورد مطالعه و اطراف آن که حداقل تجربه زندگی در یکی از گونه‌های سکونتی مشاهده شده را داشته باشند، به‌عنوان جامعه آماری در مصاحبه‌ها، مورد پرسش قرار می‌گیرند. در نمونه‌گیری و انتخاب جامعه آماری از

نمونه‌گیری طبقه‌ای (بلیکی، ۲۰۰۰/۱۳۹۵) استفاده می‌گردد، تا از طبقات مختلف اجتماعی و سنی و جنسیتی با سطوح مختلف تحصیلات و تخصص استفاده گردد. این روش نمونه‌گیری به دو منظور اصلی به کار می‌رود: اولاً اینکه مقوله‌های خاصی از جمعیت در نمونه حضور دارند و نیز دومین کاربرد اصلی آن حصول اطمینان از این است که از همه مقوله‌های تحت مطالعه در نمونه‌ها حضور دارند. در هر یک از گونه‌های ویلایی اولیه و ویلایی متأخر ۱۰ مصاحبه و در گونه‌های آپارتمانی اولیه و متأخر ۷ مصاحبه به انجام رسید تا اشباع اطلاعاتی این گام حاصل شد. مصاحبه‌های گونه‌های اولیه ویلایی از «۱۰-۱» تا «۱۹-۱» و مصاحبه گونه‌های متأخر ویلایی از «۲۰-۲» تا «۲۹-۲» و گونه‌های اولیه آپارتمانی از «۱-۱» تا «۳۷-۱» و گونه‌های متأخر آپارتمانی از «۲-۱» تا «۴۷-۲» شماره‌گذاری شده‌اند.

### پیشینه پژوهش

در حوزه فرهنگ و هویت در معماری پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است (Rapoport, 2005 & 1969; Lang, 1987; Frampton, 2007; Abel, 1997; Broadbent, 1980; Correa, 1983; Schultz, 1988 & 2000; Giddens, 1991; Marcus, 2006; Jung, 1969; Strauss, 1972; Jenkins, 2014) که شرح و دسته‌بندی آنها در این مقاله نمی‌گنجد و در پژوهش‌های پیشین ارائه شده است (آقای مهر، قره‌بگلو و پیربابایی، ۱۴۰۲). در جمع‌بندی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در ارتباط با فرهنگ و معماری، می‌توان دو جریان کلی را مشاهده کرد: شکل اول جریانی است که مانند پژوهش حاضر، معماری به‌عنوان نمادی از فرهنگ فرد و جامعه در نظر گرفته می‌شود و در مقابل، در شکل دوم هویت در خود اثر و به‌عنوان معنا، مفهوم و ویژگی‌های اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این دیدگاه، معماری به‌عنوان نمادی از فرهنگ فرد و جامعه در نظر گرفته می‌شود و نقشی اساسی در برقراری روابط اجتماعی و آرامش روانی فرد بر عهده خواهد داشت. بنابراین معماری نقشی مشابه نوع خودرو، ظاهر افراد، شیوه لباس پوشیدن و نحوه رفتار آنها در موقعیت‌های مختلف بر عهده داشته و مانند عنصری نمادین یا نقابی بر روی چهره فرد عمل می‌کند (سلیمانی، اعتصام و حبیب، ۱۳۹۵). گیدنز فرهنگ را گاه به‌مثابه محیط و بستر فرض می‌کند که تمامی شیوه‌های زندگی اعم از رفتار، تفکر، و احساس و همه مصنوعات، ارزش‌ها و هنجارها در آن جای می‌گیرد و گاه مناسبات و رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی افراد را در عرصه فرهنگ به بحث می‌گذارد. گیدنز در عمده مباحث خود به خواننده القاء می‌کند که تنها راه «خود»یابی (هویت‌یابی) در دنیای متجدد و فرهنگ جامعه جدید است (بهشتی‌نژاد، ۱۴۰۱). در مورد شکاف‌های مشاهده شده در پژوهش‌های پیشین در ایران می‌توان گفت که بسیاری از این پژوهش‌ها، به هویت کالبدی پرداخته و امکان تحقق هویت‌مندی را در تغییرات کالبدی (به‌کارگیری تکنولوژی یا مدل‌های معاصر) مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند و یا در هویت‌مندی را در معماری سنتی و خانه‌های دوره پهلوی و قاجار و پیش از آن جستجو کرده‌اند؛ درحالی‌که به‌نظر می‌رسد با توجه به تحولات وسیع فرهنگی، اجتماعی و ... در شهرهای معاصر، این بازگشت به گذشته به ارائه راهکارهای عملی معماری معاصر، کمک چندانی نداشته باشد. در این پژوهش فضاهای سکونت‌دهی دهه‌های معاصر و تحولات آن مورد بررسی قرار گرفته است.

همه منابع انگلیسی به صورت انگلیسی نوشته شده است. [MA3] Commented  
شود.

### مبانی نظری پژوهش

واژه «هویت» معمولاً با پسوند خود شناخته می‌شود. در واقع هویت آنچه کسی یا چیزی هست (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۴)، همان بودن یا چیستی و چگونگی او (مهدوی‌نژاد و آقای‌مهر، ۱۳۹۹) و «هویت فرهنگی» چیستی و چگونگی فرهنگ او و هویت فرهنگی در فضاهای سکونت‌چیستی و چگونگی فرهنگ او در سکونت‌گزیدن است. واژه «پایایی» به معنای پایداری، ثبات، استحکام در شرایط مختلف و در طی زمان است که در مورد هویت فرهنگی به انسجام و تداوم مولفه‌های فرهنگ و حفظ سنت‌ها و آداب و رسوم فرهنگی می‌انجامد. «پایایی» هویت فرهنگی مفهومی است که به چگونگی تغییرات، تحول و تکامل فرهنگ‌ها در شرایط و زمان‌های مختلف اشاره دارد و به بررسی فرایندهای در حال تغییر باورها، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارهای اجتماعی و محصولات افراد جامعه در سطوح مختلف فردی و اجتماعی می‌پردازد (Giddens, 1990).

Commented [MA4]: لاتین

هنگامی که یک فرد با اراده و آگاهی خود به یک معنا پیوند می‌خورد، ارتباط وجودی خود را با آن معنا و معانی زمینه‌ساز آن برقرار می‌سازد و از معانی در تعارض و تضاد با آن معنا، روی‌گردان می‌شود. این رفتار هماهنگ و تا حدودی همسان در بیشتر زمان که در میان آحاد جامعه اعتبار می‌شود و به اشتراک گذارده می‌شود، موجب کسب هویتی جمعی در میان آن افراد می‌شود؛ به گونه‌ای که رفتار مغایر با آن در میان اجتماع ایشان غیرمنتظره و ناهنجار تلقی می‌شود (پارسانیا، ۱۴۰۰). هویت‌های اعتباری توسط انسان اعتبارساز معتبر شده‌اند (پارسانیا، دانایی‌فرد و حسینی، ۱۳۹۳) و ساختار کنش انسان در جهان خوددند (طباطبایی، ۱۳۹۸). از این منظر اعتبارکردن، ابزاری برای اعمال عاملیت انسان (طباطبایی، ۱۳۸۷) و اعتبارات، ساختار مفهوم‌سازی عقل عملی در تعریف بایندوبندهای حاکم بر کنش‌های فردی و اجتماعی (حسینی و موسوی، ۱۳۹۱) محسوب می‌گردند.

Commented [MA5]: لاتین

ساختارها عنصری عینی و فیزیکی نیستند، بلکه انگاره‌ای ذهنی‌اند که به‌عنوان ساختار کنش و اعمال انسانی و قواعد شکل‌گیری آن کاربرد دارند (Bryant & Jary, 1991). ساختار از طریق عمل فرد ساخته می‌شود و عمل فرد در درون ساختار محقق می‌شود. استفاده انسان از ساختارها در عمل اجتماعی، نوعی بازتولید آن‌ها در قالب عمل جدید است. بدین ترتیب فرهنگ، هم هویتی متجلی در افعال و کنش‌های اجتماعی می‌یابد و هم افعال و کنش‌های اجتماعی، فرهنگ و هویت جمعی را شکل می‌دهند، و مصنوعات و پدیده‌های فرهنگی (از جمله آثار معماری)، پس از تحقق افعال فرهنگی ظهور می‌یابند. از این جهت (دادن ساختار به کنش‌های انسان و به دنبال آن، ساختار یافتن از کنش‌های انسان به‌عنوان عامل)، فرهنگ به‌مثابه ساخت (در نظریه ساخت‌یابی) عمل می‌کند (Lechet, 1994). در این نگاه، عناصر و اجزای فرهنگ، به‌مثابه ساخت، هویتی مستقل از خود ندارند و گرتبه‌بردار و پذیرای هویت ساخت حاکم بر فرهنگ هستند (پیربایایی و ایرانشاهی، ۱۳۹۹). بنابراین می‌توان عناصری را در پس هر فرآورده فرهنگی یافت که رابطه‌ای شبکه‌وار با یکدیگر دارند و این روابط، ساختار کلی را شکل می‌دهد که در نهایت در کانون و هسته اصلی آن پدیده فرهنگی موردنظر نهفته است.

Commented [MA6]: لاتین

ساخت‌ها رویکردی دوجهی دارند و به‌واسطه کارکرد دوگانه قواعد<sup>۲</sup> (محدودکننده) و منابع<sup>۴</sup> (تواناکننده) عمل می‌کنند (Sewell, 1992). بر این اساس، «ظهور» هنجارهای فرهنگی را نیز می‌بایست در قالب نتایجی مشابه و تکرارشونده جستجو کرد و برای شناخت اولیه آن‌ها، به دنبال مشابهت‌ها در محیط ساخته‌شده بود؛ که البته گیدنز در تعاریف فرهنگ خود، از آن به‌عنوان هنجار فرهنگی و در نظریه ساخت‌یابی به‌عنوان الزامات و قواعد محدودکننده نام می‌برد. منابع نیز در تئوری گیدنز به دو دسته تقسیم می‌شوند، منابع معتبر<sup>۵</sup> (مقتدرانه) که تدابیر و فرمان‌هایی را بر افراد و

Commented [MA7]: لاتین

عاملان روا می‌دارد و منابع تخصیص<sup>۶</sup> که شامل ویژگی‌های محیط فیزیکی در استفاده از تولید و بازتولید (تکثیر) کالا است. (Giddens, 1997) قواعد نیز هم شامل قوانین و الزامات قانونی<sup>۷</sup> و هم جنبه اخلاقی<sup>۸</sup> شامل تعهد به پیروی از آن قوانین می‌باشند. (Scapens & Macintosh, 1996)

Commented [MA8]: لاتین

Commented [MA9]: لاتین

در رویکرد فرهنگی، محیط فرهنگی جایگاه ویژه‌ای در تکوین، استمرار و تحولات هویت دارد. در سطح مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر فضاهای سکونتی، با ارزش‌های موجود در علم اخلاق مواجهیم که قواعد و ساختارهایی در رابطه با هنجارها (بایدونبایدیهای فرهنگی) تولید می‌کنند، یا در آن‌ها محقق می‌شوند. این مفاهیم بر الزامات، سنت‌ها و بایدها و نبایدهای فضاهای سکونتی تأثیرگذارند. در سطح بعدی که الگوهای عینی فضاها شکل می‌گیرد، فعالیت‌های فرهنگی یا همان افعال، رفتارها و کنش‌های انسانی رخ می‌دهد که به‌صورت دوسویه بر هم تأثیرگذارند، یعنی هم کنش‌ها را شکل می‌دهند و هم در کنش‌ها محقق می‌گردند. این الگوها در کالبد مکان و فضاهای سکونتی به‌عنوان پدیده (نظام) فرهنگی که بستر کنش‌های افراد و اعضای خانواده (به‌عنوان یک ساخت اجتماعی) است، متجلی می‌گردد (آقایی‌مهر، ۱۴۰۰). یعنی سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده، آداب و سنت‌های معماری فضاهای سکونتی را شکل می‌دهد و آداب و سنت‌های معماری، بستر شکل‌گیری سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده می‌شود.

در تحلیل محتوای گونه‌ها و مصاحبه‌های ساکنین فضاهای سکونتی، با استفاده از روش‌های استقرایی و قیاسی به توسعه نظام طبقه‌بندی داده‌های پژوهش پرداخته شد؛ چرا که هسته اصلی در تحلیل محتوای کیفی، ایجاد مقولات و طبقات است. بدین ترتیب، در تهیه و تدوین چارچوب نظری پژوهش ابتدا گونه‌های فضاهای سکونتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و گونه غالب ساختار فضاهای محدوده آزمون استخراج شد. سپس مفاهیم و کدهای مستتر در کنش‌های انسان در خانواده به صورت اولیه در چهار حوزه و پس از برگزاری مصاحبه و تحلیل محتوای گونه‌های فضاهای سکونتی و مصاحبه‌های ساکنین آنها، در سه حوزه گرایش‌های فردی، اجتماعی و در ارتباط با طبیعت طبقه‌بندی گردید. از نظر ساختاری نیز داده‌ها در چهار محور مورد بررسی قرار می‌گیرد. چرا که قواعد و الزامات فقهی هم در قالب محتویات اخلاقی و هنجارهای ساکنین در کنش‌ها محقق می‌شود و هم به کمک منابع تخصیص ساخت مسکن، در کالبد فضاهای سکونتی جلوه می‌یابد.

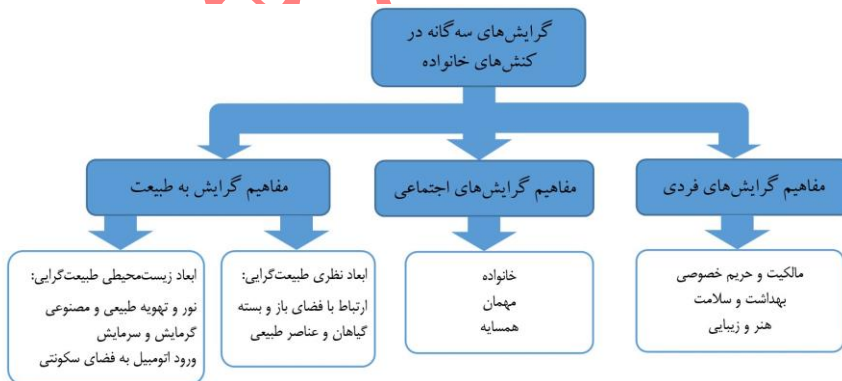
دینا





تصویر ۲. چارچوب نظری در کدگذاری کنش‌های خانواده.

از نظر محتوایی، در طبقه‌بندی گرایش‌های فردی، مفاهیمی مانند اهمیت و حریم خصوصی در درونگرایی فضاهای معماری مصداق می‌یابد؛ یا هنر و زیبایی در قالب سبک‌های طراحی نمای خارجی و داخلی؛ و سلامت در ارتباط با بهداشت فردی در فضاهای سکونت محقق می‌شود. مفاهیمی چون خانواده، مهمان و همسایگی نیز در طبقه‌بندی کنش‌های اجتماعی انسان و نحوه تحقق آن‌ها در فضاهای سکونت قابل ارزیابی است. در طبقه‌بندی کنش‌های انسان در ارتباط با طبیعت، اهمیت و ارزش نظری طبیعت‌گرایی مانند اهمیت ارتباط با فضای باز و بسته و گیاهان و دیگر عناصر طبیعت و از نظر ابعاد زیست‌محیطی، نور و تهویه طبیعی و مکانیکی و سیستم‌های گرمایش و سرمایش مورد توجه است که در تصویر ۲ نمایش داده شده است.



تصویر ۳. مفهوم‌سازی در گرایش‌های سه‌گانه در کنش‌های خانواده.

با توجه به مبانی نظری پژوهش از مولفه‌های ساخت (فرهنگ) به عنوان بستری برای فهم مسئله و تحلیل مصاحبه‌ها بهره‌گیری شده است. معماری فضاهای مسکونی قوانینی دارد که ساختار فضاهای مسکونی و روابط سیستمی اجزای آن را تعریف می‌کند. این قواعد هم بر مناسبات اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. این قواعد هم شامل توصیه‌های اخلاقی و هنجارگونه می‌گردد و هم قوانین و احکام فقهی که بر اعضای خانواده و فضاهای مسکونی حاکم‌اند. منابع هم شامل منابع تولیدکننده فرمان، مانند احکام فقهی و سنت‌ها و منابع فیزیکی و کالبدی مانند مصالح و فناوری‌های طراحی و ساخت فضاهای سکونتی می‌شود که امکان مناسبات و کنش‌ها را در فضاهای سکونتی محقق می‌کند. (آقایی‌مهر، ۱۴۰۰) با مقایسه و انطباق کنش‌های جاری در هریک از محوره‌های گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت در فضاهای مسکونی در بستر ساخت خانواده، می‌توان به طیف جامعی از مؤلفه‌ها برای مهندسی فرهنگی فضاهای مسکونی دست یافت، که در جدول (۳) این پژوهش نمایش داده شده است.

جدول ۳. مؤلفه‌های هویت فرهنگی در چارچوب نظری پژوهش.

ساخت (فرهنگ) در فضاهای مسکونی		منابع (تواناکننده)	مفاهیم رایج در گرایش‌های سه‌گانه	گرایش‌های سه‌گانه در کنش‌های خانواده
قواعد (محدودکننده)	قوانین و الزامات قانونی			
هنجارها و ارزش‌های اخلاقی	قوانین حوزه بهداشت و سلامت و الزامات فضاهای بهداشتی	منابع تخصیص (اقتصاد، فناوری و محیط زیست)	بهداشت و سلامت در منابع فقهی و سنت‌ها	گرایش‌های فردی
هنجارهای خانواده در طراحی	الزامات و قوانین نما و معماری داخلی	تأثیر منابع اقتصادی و فنی و اقلیم در حوزه بهداشت و سلامت	هنر و زیبانشناسی در فقه و اقتصاد، اقلیم و فناوری‌های طراحی بنا و معماری داخلی	
مالکیت و حریم خصوصی در هنجارهای خانواده	قوانین مربوط به مالکیت و حریم خصوصی	تأثیر اقتصاد، جمعیت و فناوری‌های ساخت بر مالکیت و حریم خصوصی	مالکیت و حریم خصوصی در فقه و سنت	
هنجارها و ارزش‌ها در کنش‌های خانواده	قوانین مربوط به کنش‌ها و فضاهای خانوادگی	منابع تخصیص در خانواده و فضاهای خانوادگی	احکام و سنت‌های حوزه خانواده	گرایش‌های اجتماعی
هنجارها و ارزش‌ها در ارتباط با مهمان	قوانین مربوط به کنش‌ها و فضاهای مهمانی	منابع تخصیص مؤثر بر فضای مهمان	آداب و احکام مهمان در منابع فقهی و سنت‌ها	
مناسبات خانواده در ارتباط با همسایه	قوانین مربوط به همسایه و واحد همسایگی	تأثیر اقتصاد، فناوری و جمعیت بر همسایگی	آداب و احکام همسایه در فقه و سنت	
مناسبات خانواده در ارتباط با طبیعت	قوانین مربوط به فضای باز نیمه‌باز و فضای سبز	تأثیر اقتصاد، فناوری و محیط زیست بر ارتباط خانواده با طبیعت	اهمیت طبیعت در فقه و سنت	گرایش به طبیعت و مسائل زیست‌محیطی
هنجارهای متفرقه خانواده و نحوه استفاده از اتومبیل	قوانین پارکینگ و آپارتمان‌نشینی	تأثیر ورود اتومبیل و منابع نوین بر خانواده	احکام و سنت‌های متفرقه سکونت و خانواده	
جایگاه نور و تهویه در هنجارهای خانواده	قوانین نورگیری و تهویه	تأثیر اقلیم و فناوری بر نور و تهویه	جایگاه نور و تهویه در فقه و سنت	
هنجارهای خانواده در قوانین تاسیسات گرمایش و		اقلیم و فناوری‌های گرمایش	احکام فقهی و سنت‌های سیستم‌های	

سرمايش	گرمايش و سرمايش	و سرمايش	گرمايش و سرمايش	گرمايش و سرمايش		
--------	-----------------	----------	-----------------	-----------------	--	--

## یافته‌های پژوهش

### گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش‌های فردی

سلامت و بهداشت: در خصوص فضاهای بهداشتی بیشترین فراوانی در ابراز تمایل به پنهان بودن فضاهای بهداشتی یا نارضایتی از پنهان نبودن آن است. «۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶» به ترتیب ۵، ۷ مورد و ابراز تمایل به سرویس داخل حیاط در گونه‌های «۱، ۲» به ترتیب ۳ و ۶ مورد بوده است. (جدول ۴)

هنر و زیبایی: در حوزه هنر و زیبایی ۱۷٫۶٪ از مصاحبه‌شوندگان به نمای رومی و کلاسیک علاقه‌مند و ۱۷٫۶٪ بی‌علاقه و گله‌مند و بقیه ۶۴٫۷٪ بی‌تفاوت بودند یا نظری در این باره نداشتند و یا توجه به زیبایی طرح نما را بر نوع سبک آن ترجیح می‌دادند. تمایل به سبک‌های جدید دکوراسیون نیز به اشکال مختلف در اظهارات غالب ساکنین مشهود بود. (جدول ۴)

مالکیت و حریم خصوصی: ۱۱ نفر از مصاحبه‌شوندگان خانه‌های «۱ و ۲» و از نحوه کنترل اشراف و دید مزاحم رضایت در واحدهای سکونتی خود ابراز رضایت داشتند و تنها مصاحبه‌شونده شماره «۱-۲۰» از ساکنین طبقه بالای گونه‌های ویلایی دوطبقه از عدم احساس آرامش از سروصدای بازی فرزندان در منزل (و ایجاد سروصدا برای همسایه زیرین) سخن گفته بود، که البته این مسئله مانع از بازی فرزندان نبود. برعکس از ۱۴ نفر مصاحبه‌شونده گونه‌های «۱ و ۲»، ۱۰ نفر از نداشتن حریم صوتی و ۶ نفر از وضعیت حریم بصری خود گله‌مند بودند. ۶ نفر از ۸ نفر باقی‌مانده با توجه به سکونت در طبقه آخر، یا کوتاه‌مرتبه بودن ساختمان مقابل از وضعیت حریم بصری خود فعلاً راضی بودند و ۲ نفر نیز از داشتن شیشه رفleks رضایت نسبی داشتند. ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان گونه ویلایی صراحتاً داشتن مالکیت و حریم خصوصی را در خانه ویلایی نسبت به آپارتمانی ابراز کردند. در ۹ مورد از گونه‌های ویلایی اتاق والدین از فرزندان تفکیک نشده بود و با توجه به بالا بودن بعد خانوار نسبت به دهه‌های متأخر، به صورت موردی و موقت از پذیرایی، نشیمن، یکی از اتاق‌ها یا حیاط و بام در تابستان، به‌عنوان فضای خواب استفاده می‌کردند. البته در اغلب الگوهای ویلایی تفکیک جنسیتی فرزندان در اتاق‌های خصوصی اتفاق افتاده است و معمولاً یکی از اتاق‌ها مورد استفاده از دختر یا دختران خانواده و یکی مورد استفاده پسر یا پسران خانواده بوده است. (جدول ۴)

جدول ۴. گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش‌های فردی در گونه‌های سکونتی دهه‌های مطالعه شده.

ویله	ویلایی اولیه	ویلایی متأخر	آپارتمانی اولیه	آپارتمانی متأخر
رعایت جهت قیله در توال، توال، رعایت جهت قیله در توال، توال، ارتقای سطح بهداشت فضاهای بهداشتی، توال داخل کنار حال گاهی ادغام روشویی و توال حمام و رختکن گاهی مجزا، ورود پله یا راهرو	رعایت جهت قیله در توال، توال، رعایت جهت قیله در توال، توال، بهداشتی بین خوابها یا راهرو یا کنار نشیمن، روشویی و توال یکپارچه حمام و رختکن (و گاهی با سرویس) یکپارچه، ورود مستقیم از راهپله	رعایت جهت قیله در توال، توال، ارتقای سطح بهداشت فضاهای بهداشتی، توال داخل کنار حال گاهی ادغام روشویی و توال حمام و رختکن گاهی مجزا، ورود از راهپله	رعایت جهت قیله در توال، سرویس خواب‌ها یا در پیش‌ورودی، و گاهی سرویس مستقل والدین، روشویی و توال یکپارچه، مبلمان و دکوراسیون جدید، حمام و رختکن یکپارچه و گاهی با توال فرنگی، ورود از راه پله معمولاً با پیش‌ورودی و استفاده از عایق‌های نوین و شیشه دوجداره	رعایت جهت قیله در توال، سرویس بهداشتی در راهرو خواب‌ها یا در پیش‌ورودی، و گاهی سرویس مستقل والدین، روشویی و توال یکپارچه، مبلمان و دکوراسیون جدید، حمام و رختکن یکپارچه و گاهی با توال فرنگی، ورود از راه پله معمولاً با پیش‌ورودی و استفاده از عایق‌های نوین و شیشه دوجداره

هنر و زیبایی	غالبا نمای سیمانی و آجری یا سنگ سفید ازنا و الیگودرز	غالبا نمای سیمانی و آجر و سنگ سفید ازنا و الیگودرز	روح شیشه رفلکس و به ترتیب نمای آجر سه سانت، سنگ سفید تیشه‌ای، اواسط دهه ۸۰ گرانیت و تراورتن	به ترتیب، کاربرد نمای تراورتن، آلومینیم کامپوزیت، نمای رومی و آجرنوسوز و سنگ مصنوعی و سرامیک و بوذر سنگ و...، تاکید بر ایمنی نما با اسکوپ سنگ نما
	سطوح داخلی ساده و گچبری با بهترین گچی و چوبی و شیشه رنگی	حذف دیوارهای غیرباربر به مدد سازه فلزی، غالبا سطوح داخلی ساده و گچبری با بهترین چوبی	نیاز به وسعت بیشتر فضاها با ورود میلمان جدید، افزایش سطوح شفاف و کاهش سطح سقف دیوارهای غیرباربر به مدد سازه فلزی، سقف ساده یا گچبری یا کاذب راییتس و گچ با هالوژن	افزایش سطوح شفاف و حذف دیوارهای غیرباربر به مدد سازه بتنی، نیاز به وسعت بیشتر فضاها با ورود میلمان جدید، گچپرک کثاف و ال ای دی و ام دی اف با میل و گاهی دیوار تلویزیون، انواع کابینت و کمد ممبران و هایگلز و صفحه کورین و این طرح جزیره در دهه ۹۰
مالکیت و حریم خصوصی	واحد سکوتی مستقل، تفکیک فضای مهمان، آشپزخانه بسته، اتاق خصوصی مجاور فضای خانوادگی، سرویس داخل حیاط و زیرپله و گاهی مجاور هال، حیاط مستقل دارای حریم خصوصی	واحد سکوتی مستقل، ادغام فضای مهمان و خانوادگی، باز شدن جداره آشپزخانه به هال-پذیرایی، حیاط مستقل دارای حریم خصوصی	ساختمان اشتراکی واحدهای سکوتی و از بین رفتن حریم صوتی و بصری واحد سکوتی، فضای مشترک مهمان و خانواده، آشپزخانه باز (آین) و نیمه‌باز، فضاهای بهداشتی گاهی مجاور نشیمن، حیاط اشتراکی و بالکن معمولاً بدون حریم خصوصی، دوربین و سیستم‌های امنیتی نوین، استفاده از شیشه رفلکس و وسیع و گاهی شیشه قدی و شیشه دوجداره و مصالح عایق صوتی، گسترش کاربرد فضای مجازی، اتاق شخصی اعضای خانواده و اتاق و سرویس مستقل والدین	ساختمان اشتراکی واحدهای سکوتی و از بین رفتن حریم صوتی و بصری واحد سکوتی، فضای مشترک مهمان و خانواده، آشپزخانه باز (آین) و نیمه‌باز، فضاهای بهداشتی گاهی مجاور نشیمن، حیاط اشتراکی و بالکن معمولاً بدون حریم خصوصی، استفاده از شیشه رفلکس

### گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش‌های اجتماعی

خانواده: ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان که در زده سنی زیر ۴۰ سال نیز بودند، به کمتر شدن حضورشان در خانه اشاره مستقیم داشته‌اند. البته نیمی از مصاحبه‌شوندگان هر دو گونه ویلایی و آپارتمانی بیشتر وقت خود را در فضای نشیمن و در کنار دیگر اعضای خانواده می‌گذرانند. همچنین ۴۵ درصد از ساکنین گونه‌های ویلایی و ۲۱ درصد از ساکنین گونه‌های آپارتمانی، آشپزخانه باز<sup>۹</sup> و ۲۰ درصد از ساکنین گونه‌های ویلایی و ۷ درصد از ساکنین گونه‌های آپارتمانی، آشپزخانه نیمه‌باز و تنها ۱۰ درصد از کل ساکنین، مزایای آشپزخانه بسته را ترجیح می‌دادند که برخی مستقیماً به مزیت امکان ارتباط بیشتر با اعضای خانواده در آشپزخانه باز اشاره داشته‌اند. (جدول ۵)

مهمان: ۶۲ درصد از مصاحبه‌شوندگان که ۱۰۰ درصد کسانی را که در گونه‌های اولیه ویلایی تجربه سکونت داشتند را شامل می‌شد، از کوچک شدن تدریجی گستره مهمان‌ها و حذف مهمان غریبه از فضاهای سکوتی و ۱۵ درصد کاهش رفت‌وآمد با مهمان یا مهمان غریبه را اظهار کردند. برخی نیز حریم آشپزخانه‌های بسته در مقابل پذیرایی مهمان را تمجید کردند، اما در نهایت با توجه به عدم حضور مهمان غریبه و کاهش بعد خانوار و متراژ فضای سکوتی آشپزخانه این را ترجیح می‌دادند. (جدول ۵)

همسایگی: در ۶۲ درصد از مصاحبه‌شوندگان روابط همسایگی محدود به سلام و احوال‌پرسی بود که ۱۲ درصد از آن همان سلام و احوال‌پرسی هم محدود به چند همسایه بود و ۲۰/۵ درصد ارتباط خاصی با همسایه‌ها نداشتند. از علل این مسئله می‌توان تغییر فرهنگ‌ها و دگرگونی‌های واحد همسایگی و کوتاه شدن مدت حضور ساکنین در خانه‌ها برشمرد. در این خصوص ۶ درصد از ساکنین به کوچک‌تر شدن واحد همسایگی برای شناخت همسایه‌ها برای برقراری ارتباط تمایل داشتند و ۳۰ درصد از گونه‌های ویلایی و ۲۱ درصد از گونه‌های آپارتمانی (مجموعاً ۲۶/۴ درصد از کل ساکنین) فرزندانانشان با فرزندان همسایه‌ها بازی می‌کردند یا مایل بودند بازی کنند که در ۱۴ درصد از گونه‌های آپارتمانی سروصدای بازی بچه‌ها در مواردی باعث نارضایتی برخی همسایه‌ها و برای بازی کودکان زمان‌بندی تعیین شده بود. (جدول ۵)

در پی نوشت نام لاتین نوشته شود: [MA10] Commented  
به پی نوشت رفت

جدول ۵. گزارش یافته‌ها در گرایش‌های اجتماعی انسان در گونه‌های سکوتی دهه‌های مطالعه شده.

گونه	ویلاهی اولیه	ویلاهی متأخر	آپارتمانی اولیه	آپارتمانی متأخر
خانواده	تنوع فعالیت‌های خانواده در فضاهای مختلف باز و بسته خانه، فناوری ساخت دیوار باربر آجری حضور خانواده در فضای حال آشیخانه بسته با یک در به حال و معمولاً درجه به پذیرایی	تمایل به وسعت و شفافیت بیشتر فضاها، نیاز مبلمان جدید به فضای وسیع‌تر و مدد فناوری‌های اسکلت فلزی و بتنی برای ساخت آن، حضور خانواده در حال-پذیرایی، حذف دیوار (در) بین حال و پذیرایی، باز شدن آشیخانه برای ارتباط بیشتر با نشیمن	کاهش بعد خانوار و فعالیت‌های جمعی در خانه، فناوری اسکلت فلزی و افزایش بلندمرتبه‌سازی و حضور خانواده در نشیمن آشیخانه باز، کاهش عرصه فضاهای سکوتی و نشیمن و پذیرایی یکپارچه	کاهش بعد خانوار، فناوری ساخت اسکلت بتنی و افزایش تراکم ساختمانی، اشتغال زنان و کاهش حضور اعضای خانواده (زن) در خانه، گسترش شبکه‌های مجازی ارتباط جمعی و استقلال بیشتر، فعالیت اعضای خانواده، حضور خانواده در نشیمن، آشیخانه باز (آین)، نشیمن و پذیرایی یکپارچه و افزایش سطوح شفاف
مهمان	حضور مستتر مهمان در خانه تفکیک فضای مهمان غریبه از فضای خانوادگی، بستن ارتباط پذیرایی و آشیخانه	کاهش حضور مهمان غریبه در خانه ادغام فضای مهمان و خانواده، باز شدن جداره آشیخانه به پذیرایی	کاهش حضور مهمان، کاهش التزام به توصیه‌های دینی، ادغام فضای مهمان و خانواده، کاهش بازی، مهمانی و مراسم‌های پرسروصدا در خانه	کاهش حضور مهمان، کاهش التزام به توصیه‌های دینی، ادغام فضای مهمان و خانواده، انتقال بازی‌های فیزیکی به خارج از فضاهای سکوتی، گسترش بازی‌های کامپیوتری
همسایگی	رابطه دوستانه و رفت‌وآمد با همسایه، روابط همسایگی در معابر	کاهش رابطه و رفت‌وآمد با همسایه و روابط همسایگی در معابر تحت تأثیر هنجارها و فضاهای سکوتی	حذف تدریجی روابط همسایگی در معابر و کاهش روابط همسایگی، حضور قوانین جدید برای شکل جدید همسایگی و بازی فرزندان با فرزندان همسایه تحت تأثیر متقابل هنجارها و واحد همسایگی	افزایش تراکم واحدهای همسایگی و حضور همسایه‌های بیگانه و موقتی، کاهش روابط همسایگی و بازی فرزندان با فرزندان همسایه تحت تأثیر متقابل هنجارها و واحد همسایگی

### گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش به طبیعت و مسائل زیست‌محیطی

فضای باز و فضای سبز: ۴۵ درصد از ساکنین خانه‌های ویلاهی به‌ضرورت خصوصی بودن و عدم تسلط و اشراف برای استفاده از حیاط اشاره کردند. ۴۵ درصد از ساکنین خانه‌های ویلاهی از حیاط برای بازی فرزندان و ۷۵ درصد به‌عنوان فضای زندگی و برای فعالیت‌های مختلفی مانند خوردن و خوابیدن، دور هم بودن یا غذا پختن و بازی کردن استفاده می‌کردند و تنها ۱۰ درصد آن‌ها از حیاط استفاده‌ای نداشتند. از گونه‌های اولیه و متأخر آپارتمانی کسی برای فعالیت‌های زیستی نام برده از حیاط استفاده‌ای نداشت و تنها در ۲۱ درصد آنها کودکان در حیاط بازی می‌کردند. ۷۱ درصد از گونه‌های آپارتمانی اولیه از حیاط آپارتمان به‌عنوان پارکینگ خودروها استفاده می‌کردند، اما با اختصاصی شدن پارکینگ‌ها از اواسط دهه ۸۰، این مسئله در گونه‌های متأخر آپارتمانی دیده نشد. (جدول ۶)

مسائل زیست‌محیطی: همه مصاحبه‌شوندگان گونه‌های آپارتمانی اهمیت نورگیری و تهویه طبیعی در فضاهای سکوتی را مطرح کردند و در صورت داشتن نور و تهویه ابراز رضایتمندی و در صورت محرومیت از آن (حتی به‌صورت موضعی) ابراز نارضایتی کردند. ۱۵ درصد از ساکنین ویلاهی و ۴۳ درصد از ساکنین آپارتمانی با وجود رضایت نسبی از بخاری گازی، به ترجیح استفاده از پکیج و رادیاتور اشاره کردند و ۱۴ درصد (یک نفر) از گونه‌های متأخر آپارتمانی از پکیج و رادیاتور ناراضی بودند و ۵ درصد از گونه‌های ویلاهی و ۷ درصد از ساکنین گونه آپارتمانی از کولر آبی ناراضی بودند و ۱۴ درصد (یک نفر) از گونه‌های آپارتمانی متأخر گرمایش از کف و ۱۴ درصد (یک نفر) از گونه‌های آپارتمانی متأخر تهویه مطبوع را ترجیح می‌دادند. مصاحبه‌شوندگانی که پارکینگ نداشتند و یا به‌صورت اشتراکی استفاده می‌کردند، داشتن پارکینگ اختصاصی را ضرورت می‌دانستند و ۷۱ درصد از مصاحبه‌شوندگان

آپارتمانی متاخر از داشتن پارکینگ اختصاصی ابراز رضایت کردند یا حتی به داشتن پارکینگ اضافه مایل بودند. (جدول ۶)

در نهایت از ۸ نفر خانم در بازه سنی ۴۰ سال و کمتر ۶۲٫۵ درصد خانه آپارتمانی را بر ویلایی ترجیح می‌دادند و ۱۲٫۵ درصد نظری نداده بودند و ۲۵ درصد ویلایی را ترجیح می‌دادند. در حالی که از ۴ خانم مصاحبه‌شوندگان بالای ۵۰ سال فقط یک نفر (۲۵ درصد) زندگی در خانه آپارتمانی را ترجیح می‌داد و ۷۵ درصد موافق زندگی در خانه ویلایی بودند. علت این مسئله جمعیت بیشتر و در نتیجه احساس امنیت بیشتر در زندگی آپارتمانی و در یکی از موارد (بالای ۵۰ سال) سهولت نظافت و نگهداری واحد آپارتمانی ذکر شد. برعکس، هیچ‌یک از آقایان مصاحبه شده، خانه آپارتمانی را بر ویلایی ترجیح ندادند و ۹۵ درصد ارجحیت خانه ویلایی را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مصاحبه اظهار کرده بودند.

جدول ۶. گزارش یافته‌ها در گرایش انسان به طبیعت و محیط‌زیست در گونه‌های سکونتی مطالعه شده.

گونه	ویلایی اولیه	ویلایی متاخر	آپارتمانی اولیه	آپارتمانی متاخر
طبیعت‌گرایی	تنوع فعالیت‌های زیستی در حیاط (خوردن و خوابیدن و بازی و ...)	حضور تدریجی خودرو در حیاط، تنوع فعالیت‌های زیستی در حیاط (خوردن و خوابیدن و بازی و ...)	حضور خودرو در حیاط، استفاده اشتراکی از حیاط (مشاعات)، کاهش یا حذف باغچه از حیاط، از بین رفتن حریم فضاهای باز و نیمه‌باز، جایگزینی بالکن برای برخی کاربری‌های حیاط، قوانین مشاعات و نیمه‌باز، کاهش سطح فضای باز	حذف خودرو از حیاط و انتقال آن به پارکینگ اختصاصی با اجرایی شدن قوانین پارکینگ و مشاعات، استفاده اشتراکی از حیاط، گسترش بلندمرتبه‌سازی و از بین رفتن حریم فضاهای باز و نیمه‌باز، کاهش سطح فضای باز
بهدار زیست‌محیطی	گرمایش با بخاری نفتی و سرمایش با گرمایش با بخاری گازی و سرمایش کولر آبی دستی	گرمایش با بخاری گازی و سرمایش کولر آبی سقفی	گرمایش با بخاری و شوفاژ (گاهی موتورخانه و شوفاژ، سرمایش با کولر آبی)	گرمایش با پکیج و شوفاژ (گاهی گرمایش کف و تهویه مطبوع) و سرمایش با کولر آبی و گازی، رواج شیشه‌های دوجداره و عایق‌ها
	تهویه طبیعی غالب فضاها	تهویه طبیعی غالب فضاها	کاهش نورگیری و تهویه طبیعی با افزایش بلندمرتبه‌سازی	کاهش نورگیری و تهویه طبیعی با افزایش تراکم ساخت و کاهش سطح فضای باز

### تحلیل یافته‌ها

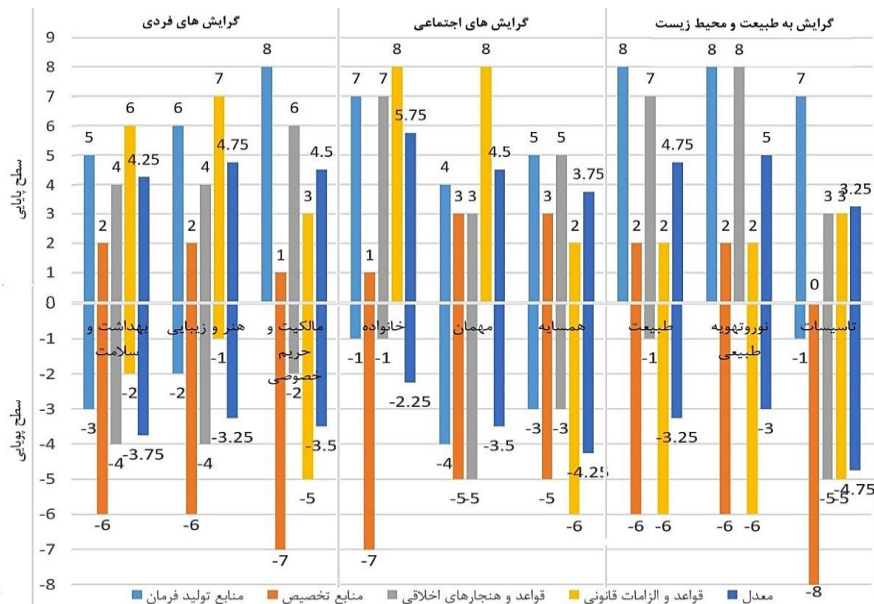
در ادامه باتوجه به مدل‌های نظری پژوهش به تحلیل محتوای مشاهده‌ها و مصاحبه‌های صورت‌گرفته در گام میدانی می‌پردازیم. برای این مقصود براساس دسته‌بندی چارچوب نظری پژوهش و با توجه به تحولات مشاهده شده، میزان سطح پایایی و پویایی در هریک از مفاهیم اعتبار شده در حوزه‌های گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت در منابع و قواعد هریک از گونه‌های سکونتی در جداول و نمودارهای جمع‌بندی نمایش داده شده است. در امتیازدهی به میزان پایایی و پویایی از سه سطح پایا با ۲ نمره به پایایی (صفر نمره به پویایی) و بینابین با ۱ نمره به پایایی و ۱ نمره به پویایی و پویا با ۲ نمره به پویایی (صفر نمره به پایایی) استفاده شده است. (جدول ۷) در این راستا منابع فقهی، پویایی چندانی نداشته‌اند اما در بسیاری موارد مانند احکام حوزه مهمان و همسایه و ... منابع جدیدی مانند رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباط جمعی و الگوهای غربی به منابع تولید فرمان اضافه شده‌اند. در ادامه بر اساس امتیازات ارزیابی شده در نمودارهای تصاویر ۳ تا ۵ مؤلفه‌های مختلف ارکان ساخت (منابع و قواعد) فضاهای سکونتی و فاکتورهای مختلف از گرایش‌های فردی و اجتماعی و گرایش به طبیعت به تصویر کشیده شده است.

جدول ۷. سطح پایایی و پویایی منابع و قواعد در هریک از حوزه‌های فضاهای سکونتی.

حوزه	گرایش‌های فردی	گرایش‌های اجتماعی	گرایش به طبیعت	منابع	قواعد	تصاویر
------	----------------	-------------------	----------------	-------	-------	--------

ساخت	گونه سکونتی	بهداشت و سلامت	هنر و زیبایی	مالکیت و حریم خصوصی	خانواده	مهمان	همسایه	طبیعت (فضای باز)	محیط زیست (توریسم طبیعی)	محیط زیست (تاسیسات)		
منابع توزیع فرمان <sup>۱۱</sup>	ویلاهای اولیه	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	۱۸	۰
	ویلاهای متأخر	بینابین	پایا	پایا	پایا	بینابین	پایا	پایا	پایا	پایا	۱۶	۲
	آپارتمانی اولیه	بینابین	بینابین	پایا	پایا	بینابین	بینابین	پایا	پایا	پایا	۱۴	۴
	آپارتمانی متأخر	بینابین	بینابین	پایا	پایا	پویا	پویا	پایا	پایا	بینابین	۱۰	۸
	مجموع پایایی	۵	۶	۸	۷	۴	۵	۸	۸	۷	۵۸	*
مجموع پویایی	۳	۲	۰	۰	۱	۴	۳	۰	۰	۱	۱۴	*
منابع تخصصی	ویلاهای اولیه	بینابین	بینابین	بینابین	بینابین	پایا	پایا	بینابین	بینابین	پویا	۱۰	۸
	ویلاهای متأخر	بینابین	بینابین	پویا	پویا	بینابین	بینابین	بینابین	بینابین	پویا	۶	۱۲
	آپارتمانی اولیه	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	۰	۱۸
	آپارتمانی متأخر	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	۰	۱۸
	مجموع پایایی	۲	۲	۱	۱	۳	۳	۲	۲	۲	۱۶	*
مجموع پویایی	۶	۶	۷	۷	۵	۵	۶	۶	۶	۸	۵۶	*
قواعد و مشخصه های اجتماعی	ویلاهای اولیه	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	۱۸	۰
	ویلاهای متأخر	بینابین	بینابین	بینابین	پایا	بینابین	پایا	پایا	پایا	بینابین	۱۴	۴
	آپارتمانی اولیه	بینابین	بینابین	بینابین	پایا	پویا	بینابین	پایا	پایا	پویا	۱۰	۸
	آپارتمانی متأخر	پویا	پویا	پویا	بینابین	پویا	پویا	بینابین	پایا	پایا	۵	۱۳
	مجموع پایایی	۴	۴	۶	۷	۳	۵	۷	۸	۳	۴۷	*
مجموع پویایی	۴	۴	۲	۱	۵	۵	۳	۱	۰	۵	۲۵	*
قواعد و الزامات قانونی	ویلاهای اولیه	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	بینابین	بینابین	بینابین	۱۴	۴
	ویلاهای متأخر	پایا	پایا	بینابین	پایا	پایا	پایا	بینابین	بینابین	بینابین	۱۳	۵
	آپارتمانی اولیه	بینابین	پایا	پویا	پایا	پایا	پایا	پویا	پویا	بینابین	۸	۱۰
	آپارتمانی متأخر	بینابین	بینابین	پویا	پایا	پایا	پایا	پویا	پویا	پویا	۶	۱۲
	مجموع پایایی	۶	۷	۳	۸	۸	۲	۲	۲	۳	۴۱	*
مجموع پویایی	۲	۱	۵	۰	۰	۰	۶	۶	۶	۵	۳۳	*
مجموع پایایی <sup>۱۱</sup>		۱۷	۱۹	۱۷	۲۳	۱۸	۱۵	۱۹	۲۰	۱۳	۱۶۲	*
مجموع پویایی <sup>۱۱</sup>		۱۵	۱۳	۱۵	۹	۱۴	۱۷	۱۳	۱۲	۱۹	۱۲۶	*

پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونت کرمانشاه در دهه های مطالعه شده در هر یک از گرایش ها و مولفه های آن یا در هر یک از مولفه های ساخت و یا در هرگونه سکونت قابل بررسی است. سطح پایایی و پویایی در هر یک از مولفه های گرایش های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت، در نمودار تصویر ۳ و برآیند آن در تصویر ۴ به تصویر کشیده شده است.



تصویر ۴. سطح پایایی و پویایی در هریک از حوزه های فضاهای سکونتی در گونه های سکونتی مورد مطالعه.

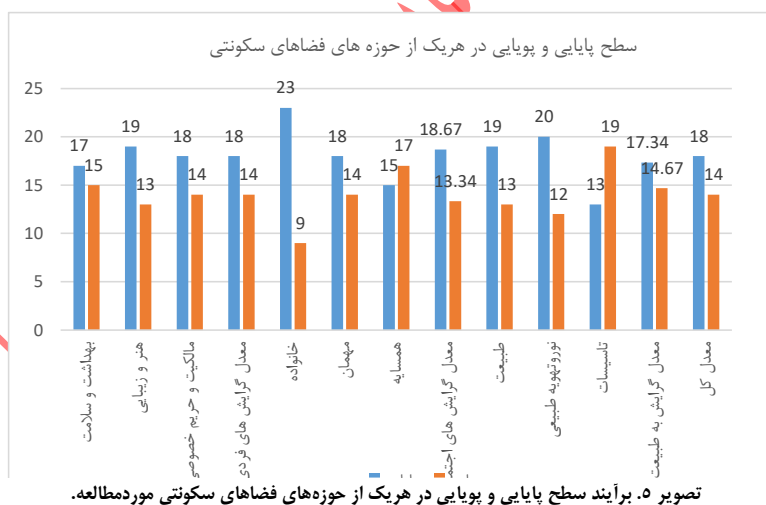
در حوزه گرایش های فردی در حوزه بهداشت و سلامت، حذف تدریجی پیش‌ورودی در منابع تخصیص، به علت تحولات اقلیمی کرمانشاه و تاسیسات نوین گرمایش و سرمایش و در قواعد و هنجارهای ساکنین، تمایل آن‌ها به گشودگی و وسعت بیشتر فضاها و تغییر منابع تولید فرمان بوده است. در این حوزه فضاهای بهداشتی بیشترین تاثیر را در گونه اولیه ویلایی از قواعد و الزامات قانونی (راه یافتن سرویس و آشپزخانه به فضای داخلی)، و در گونه های بعدی به ترتیب از منابع تخصیص و قواعد و الزامات قانونی، هنجارهای ساکنین و منابع فقهی داشته‌اند. بیشترین تاثیر در حوزه هنر و زیبایی به ترتیب در تحولات منابع تخصیص و در هنجارها به تجمل گرایی و تنوع طلبی و تغییر منابع تولید فرمان از سنت های ایرانی به الگوهای غربی، خصوصا در ورود سبک های کلاسیک و رومی بوده است. اهمیت حریم خصوصی در منابع تولید فرمان و هنجارها و ارزش های ساکنین کاهش چندانی نداشته و در استقلال بیشتر فضاهای داخلی نمود یافته، اما تحت الشعاع بلندمرتبه سازی ها قرار گرفته و این مسئله از مهم ترین فاکتورهای تمایل ساکنین به خانه های ویلایی بوده است.

در حوزه گرایش های اجتماعی کم شدن رفت و آمد مهمان و مدت حضور آن در خانه خصوصاً با کوچک تر شدن واحدهای سکونتی، کاهش اهمیت فضای مهمان و حذف فضای مستقل پذیرایی از مهمان و ادغام آن با نشیمن خانوادگی و خارج شدن اتاق استراحت مهمان از اولویت را در پی داشته است و بیشتر مهمانی ها، جشن ها و مراسم های پر سروصدا نیز عموماً به علت اشتراکی شدن فضاهای سکونتی در آپارتمان ها به خارج از فضاهای سکونتی انتقال یافته اند و با کم رنگ شدن و حذف مهمان غریبه از فضای سکونتی، آپن شدن و کاهش حریم فضای آشپزخانه رایج تر



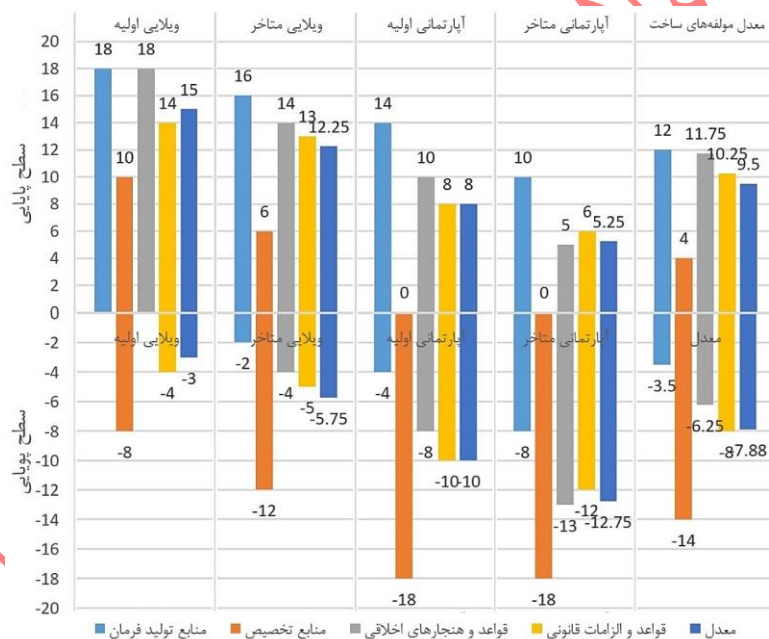
می‌شود و با کاهش حریم فضای آشپزخانه، حذف مهمان‌گریه از فضاهای سکونتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (رابطه متقابل ساخت و عامل). مفاهیم مهمان و خانواده بیشترین تاثیر را از تغییر تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای ساکنین داشته‌اند و منابع فقهی پایا بوده و قوانین نیز به حوزه خانواده و مهمان ورود نکرده‌اند. همسایگی بیشترین تاثیر را از تغییر تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای ساکنین و پویایی منابع تخصیص و وضع قوانینی برای واحدهای همسایگی جدید داشته است.

در حوزه طبیعت و ابعاد زیست‌محیطی، کاهش ارتباط با طبیعت و سطح فضای باز و سبز فضاهای سکونتی با کوچک شدن سهم خانواده‌ها از منابع تخصیص این حوزه و وضع قوانین و الزامات فضای باز و فضای سبز و نورگیرها و نحوه حضور اتومبیل رخ داده است. درحالی‌که بلندمرتبه‌سازی‌های دهه‌های ۸۰ و ۹۰، نور و تهویه طبیعی را به شدت تحت تاثیر قرار داده، قریب به اتفاق ساکنین، اهمیت و اولویت نورگیری و تهویه طبیعی در فضاهای سکونتی را مطرح کردند. می‌توان گفت، در محدودیت‌های ناشی از «تورم و سوداگری در بازار مسکن و افزایش تراکم‌های ساختمانی»، مانند کاهش حریم خصوصی خانواده، کاهش حضور طبیعت، میزان نور و تهویه طبیعی و کاهش سطح فضای باز، فضای سبز و عرصه واحدهای سکونتی با هنجارهای ساکنین ناهم‌سو و تقریباً در بقیه حوزه‌ها تغییر هویت فضاهای سکونتی، با هویت فرهنگی و مناسبات خانواده هم‌سو بوده است و قوانین و مصوبات متعددی، در راستای هم‌گرایی بیشتر هویت فرهنگی و فضاهای سکونتی در این حوزه تصویب شده است. در نهایت بیشترین پایایی را در حوزه خانواده و بیشترین پویایی را در حوزه تأسیسات گرمایش و سرمایش داشته‌ایم. (تصویر ۴)



سطح پایایی و پویایی در هرگونه سکونتی و هریک از ارکان ساخت (منابع و قواعد) در نمودارهای شکل ۵ نمایش داده شده است. در مؤلفه‌های ساخت (منابع و قواعد) فضاهای سکونتی منابع تولید فرمان به عنوان فقه و سنت، از

بیشترین سطح پایایی برخوردار است، اما می‌توان گفت که ورود جامعه به عرصه تجدد و وسایل ارتباط جمعی و توسعه روزافزون استفاده از شبکه‌های اجتماعی منابع جدیدی را به منابع تولیدکننده فرمان در شکل‌گیری هنجارهای جامعه و خانواده افزوده که ساخت خانواده و سکونت را تحت‌الشعاع قرار داده است. این مسئله بیشتر در نمودار شکل ۵ در مولفه هنجارهای ساکنین منعکس شده که به همین منظور در رتبه دوم پایایی قرار گرفته است. بیشترین سطح پایایی را نیز در منابع تخصیص و سپس قواعد و الزامات قانونی داشته‌ایم. تسریع پایایی در مورد بسیاری از قوانین به دنبال ورود منابع و فناوری‌های جدید ساخت مسکن و لزوم وضع استانداردهای لازم در به‌کارگیری آنها و همچنین راستای ارتقای کیفیت فضاهای سکونتی بوده است. در مورد گونه‌های سکونتی، بیشترین سطح پایایی را گونه‌های اولیه ویلایی و بیشترین پایایی را در گونه‌های آپارتمانی متأخر داشته‌ایم، به شکلی که در دهه‌های مورد مطالعه شاهد افزایش تدریجی سطح پایایی در فضاهای سکونتی بوده‌ایم. (تصویر ۵)



تصویر ۶. سطح پایایی و پویایی در مولفه‌های ساخت (منابع و قواعد) گونه‌های سکونتی مورد مطالعه.

### نتیجه‌گیری

در رویکرد فرهنگی، محیط فرهنگی جایگاه ویژه‌ای در تکوین، استمرار و تحولات هویت دارد. از این منظر فضاهای مسکونی از دو بعد هویتی واجد اهمیت است: از یک بعد به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی، بازتاب (نظام) معماری خانواده و

مظهري برای نمایش ارزش‌های فرهنگی و از بعد ديگر به‌عنوان یک سیستم (نظام)، واجد ساختار شکل‌گیری کنش‌ها و رفتارهای فرهنگی. در این راستا در سطح مفاهيم و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر فضاهای سکونتی، با ارزش‌های موجود در علم اخلاق مواجهيم که قواعد و ساختارهایی در رابطه با هنجارها (بایدونباید‌های فرهنگی) تولید می‌کنند، یا در آن‌ها محقق می‌شوند. در سطح بعدی که الگوهای عینی فضاها شکل می‌گیرد، فعالیت‌های فرهنگی یا همان افعال، رفتارها و کنش‌های انسانی رخ می‌دهد که به‌صورت دوسویه بر هم تأثیرگذارند، یعنی هم کنش‌ها را شکل می‌دهند و هم در کنش‌ها محقق می‌گردند. در نتیجه در پاسخ به سوال اول پژوهش در مورد نسبت هویت فرهنگی با معماری فضاهای سکونتی می‌توان گفت که فرهنگ از نظر ساختار دادن به کنش‌های انسان و به دنبال آن، ساختار یافتن از کنش‌های انسان، به‌منزله ساخت عمل می‌کند. یعنی فرهنگ خانواده و سکونت، نظام معماری خانه و فضاهای سکونتی را شکل می‌دهد. پس معماری فضای سکونتی بازتولید فرهنگ سکونت و از طرف ديگر، بستر تحقق فرهنگ سکونت است. یعنی سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده، آداب و سنت‌های معماری فضاهای سکونتی را شکل می‌دهد و آداب و سنت‌های معماری، بستر شکل‌گیری سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده می‌شود.

در پاسخ به سوال دوم پژوهش در مورد نسبت پايایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری فضاهای سکونتی کرمانشاه در دهه‌های اخير می‌توان گفت که از دهه ۶۰ تا کنون به‌تدریج از شدت پايایی هویت فرهنگی خانواده و معماری فضاهای سکونتی کاسته و به‌صورت تصاعدي بر پویایی آن‌ها افزوده شده است. (تصویر ۵) این پویایی هم در مفاهيم و مولفه‌های فرهنگی و هم معماری فضاهای سکونتی مشهود است و با وجود اینکه در هر یک از مولفه‌ها متفاوت بوده، اما در برآیند مولفه‌های هر یک از حوزه‌های گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت تفاوت چشم‌گیری را نداشته است. (تصویر ۳) درخصوص نسبت پايایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری می‌توان گفت که اگرچه این پویایی در برخی از مولفه‌ها شدت و ضعف بیشتری دارد، اما در بیشتر مولفه‌ها به‌صورت متناظر در فرهنگ خانواده و ساختار فضای سکونتی مشهود است و مولفه‌های متناقض بین پايایی و پویایی هویت فرهنگی و معماری فضاهای سکونتی به‌صورت نارضایتي ساکنین بروز یافته است. به‌عنوان مثال همچنان که رفت و آمد با مهمان در خانواده به‌تدریج کم‌رنگ می‌شود، فضای مستقل مهمان نیز رفته‌رفته اهمیت خود را از دست می‌دهد. همچنین با کم‌رنگ شدن و حذف مهمان غریبه از فضای سکونتی، آپن شدن و کاهش حریم فضای آشپزخانه رایج‌تر می‌شود و با کاهش حریم خصوصی فضای آشپزخانه، حذف مهمان غریبه از فضاهای سکونتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (رابطه متقابل ساخت و عامل). در مورد مولفه‌های ساخت نیز می‌توان گفت که بیشترین پویایی در منابع تخصیص و کم‌ترین آن در منابع تولید فرمان بوده است. این مسئله باعث عدم رضایت ساکنین فضاهای سکونتی از کم‌رنگ شدن برخی مفاهيم و مولفه‌های فرهنگی خود در گرایش‌های سه‌گانه فردی، اجتماعی و طبیعت و محیط زیست شده که امکان تحقق در فضاهای سکونتی متاخر را نداشته‌اند. این عدم رضایت نشان از ناسازگاری فضای سکونتی با هویت فرهنگی خانواده در مولفه‌های مذکور دارد. از آن جمله می‌توان مفاهيم مالکیت و حریم خصوصی در گرایش‌های فردی، مهمان در گرایش‌های اجتماعی و ارتباط با فضای باز و فضای سبز در گرایش به طبیعت را نام برد. در این راستا تمرکز بر نقاط متناقض در مولفه‌های هویت فرهنگی خانواده و معماری فضاهای مسکونی و ارائه راه‌کارهای عملی برای ارتقای سطح

رضایت‌مندی ساکنین فضاهاى سکونتى، براى پژوهش‌هاى آتى توصیه مى‌گردد. هم‌چنين بسط مولفه‌هاى اين پژوهش در گونه‌هاى مختلف فضاهاى سکونتى مى‌تواند در تحقق پاىبایى اين پژوهش ره‌گشا باشد.

## پی‌نوشت‌ها

اصلاح شد [MA11]: Commented

- 1- Structuration
- 2- Anthony Giddens
- 3- rules
- 4- resources
- 5- authoritative resources
- 6- allocative resources
- 7- legal requirements (legitimation)
- 8- signification (norms)
- 9- open

## منابع

تمامى منابع اضافه شود [MA12]: DOI Commented

منابع نوشته شود. عنوان مقاله به صورت ساده و عنوان APAV بر اساس فرمت نشریه ایتالیك نوشته مى شود. در كتاب متفاوت است. اصلاح بشد

- آقاى مهر، معین و قره‌بگلو، مینو. (۱۳۹۹). معاصر سازی هویت همبنا: نمونه موردی: بافت‌های شهری معاصر ایران در دوره پهلوی. *فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان*، ۱۱(۱)، ۱۱-۱۸. doi: 20.1001.1.23224991.1399.10.1.5.1
- آقاى مهر، معین؛ قره‌بگلو، مینو و پیربابایی، محمدتقی. (۱۴۰۲). ساخت‌یابی معماری فضاهاى سکونتى با رویکرد فرهنگ ایرانی-اسلامی. *نشریه علمی پژوهشی فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*، ۱۸(۱)، ۱۰-۴۳. doi: 10.52547/ciauj.7.1.298
- آقاى مهر، معین. (۱۴۰۰). *تبیین پایایی و پویایی هویت‌فرهنگی در فضاهاى سکونتى (موردپژوهی: مجموعه‌هاى مسكونی منتخب شهر کرمانشاه)*. رساله برای اخذ درجه دکتری معماری اسلامی، به راهنمایی دکتر مینو قره‌بگلو و دکتر محمدتقی پیربابایی. دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، بلیکی، نورمن. (۱۳۹۵). *طراحی پژوهش‌هاى اجتماعى* (ترجمه حسن چاوشیان). نشر نی، تهران. (چاپ اثر اصلی ۲۰۰۰).
- بهشتی‌نژاد، محمد. (۱۴۰۱). نقد نظریه فرهنگى آنتونى گیدنز. *نشریه سیاست پژوهی تحول در علوم انسانی*، ۱۱(۱)، ۳۷-۴۹. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23830263.1401.1.1.2.7>
- پارسانیا، حمید. (۱۴۰۰). *جهان‌هاى اجتماعى*. انتشارات کتاب فردا، قم.
- پارسانیا، حمید؛ دانایی‌فرد، حسن و حسینی، سیدابوالحسن. (۱۳۹۳). دلالت‌هاى نظریه اعتباریات برای تحول در علوم انسانی. *فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعى*، ۲(۱)، ۲۳-۴۸. <https://ensani.ir/fa/article/408911>
- پیربابایی، محمدتقی و ایرانشاهی، رحیم. (۱۳۹۹). واكوى نقش فرهنگ وقف در تكوین ارسن‌هاى شهری بر اساس نظریه ساخت‌یابی. *نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*، ۵(۲)، ۱۷-۳۶. doi: 10.29252/ciauj.5.2.17
- حسنى، سیدحمیدرضا و موسوی، هادی. (۱۳۹۱). ساخت و عامل در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی و نظریه ساخت‌یابی گیدنز. *دوفصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌هاى اجتماعى متفكران مسلمان*، ۳(۲)، ۱۲۹-۱۵۹. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2012.54306>
- سلیمانی، محمدرضا، اعتصام، ایرج، و حبیب، فرح. (۱۳۹۵). بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. *مجله علمی پژوهشی هویت شهر*، ۱۰(۲۵)، ۲۶-۱۵. <https://sid.ir/paper/154608/fa>
- صدیقی، بهرنگ. (۱۳۸۹). تئوری ساخت‌یابی گیدنز: پیامدهاى تئوریک و روش شناختی و کاربرد عملی آن در جامعه‌شناسی. *فصلنامه پژوهش اجتماعى*، ۳(۹)، ۱۴۵-۱۴۲. <https://sid.ir/paper/164866/fa>
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۷). *روابط اجتماعى در اسلام*. بوستان كتاب، قم.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۸). *اصول فلسفه و روش رئالیسم* (جلد دوم). انتشارات صدرا، تهران.
- قاسمی اصفهانی، مرادید. (۱۳۹۴). *اهل کجا هستیم (هویت‌بخشی به بافت‌هاى مسكونی)*. نشر روزنه، تهران.

مهدوی‌نژاد، محمدجواد و آقای مهر، معین. (۱۳۹۹). اصول و مبانی معاصر سازی، معماری معاصر در بافت‌های کهن، ارزشمند و تاریخی. انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

- Abel, C. (1997). *Architecture and identity: Towards a global eco-culture*. Architectural Press, Portland.
- Aghaeimehr, M., & Gharehbaglou, M. (2020). Identity-based contemporization; Case study: Iran contemporary urban districts in Pahlavi era. *Naqshejahan Journal*, 10(1), 11-18. (In Persian) doi: 20.1001.1.23224991.1399.10.1.5.1
- Aghaeimehr, M., Gharehbaglou, M., & Pirbabaei, M. (2023). Structuration of residential spaces architecture with Iranian-Islamic culture approach. *Culture of Islamic Architecture and Urbanism Journal*, 8(1), 20-42. (In Persian) doi: 10.52547/ciauj.7.1.298
- Aghaeimehr, M. (2022). *Explaining the role of durability and dynamism of cultural identity in residential complexes (Case study: Selected residential complexes of Kermanshah)* [Doctoral dissertation, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran]. (In Persian)
- Behsheti-Nejad, M. (2022). A critique of Anthony Giddens' cultural theory. *Transformation in Human Sciences journal*, 4(6), 82-102. (In Persian) <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23830263.1401.1.1.2.7>
- Berelson, B. (2000). *Content analysis in communication research*. Free Press.
- Blaikie, N. W. H. (2013). *Approaches to social enquiry* (S. H. Hasani, M. Iman, & M. Majedi, Trans.). Institute of Seminary and University pressm, Tehran. (Original work published 2000) (In Persian)
- Broadbent, J. (1980). An interview with Geoffrey Broadbent on meaning in architecture. *Journal of Faculty of Architecture*, 6(1), 7-30.
- Bryant, C. G. A., & Jary, D. (1991). *Introduction: Coming to terms with Anthony Giddens. In Giddens' theory of structuration: A critical appreciation*. Routledge, London.
- Correa, C. (1983). *Architecture and identity*. Concept Media Pte Ltd, Singapore.
- Frampton, K. (2007). *Critical regionalism, modern architecture and cultural identity. In Modern architecture: A critical history*. Thames and Hudson, London.
- Ghasemi Isfahani, M. (2014). *Where are we from (Identity of residential districts)*. Rozaneh Publications, Tehran. (In Persian)
- Giddens, A. (1990). *Consequences of modernity*. Stanford University Press, California.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. Stanford University Press, California.
- Giddens, A. (1997). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. Cambridge Polity, New York City.
- Hassani, S. H., & Mousavi, H. (2012). Construction and factor in Allameh Tabatabai's Etebarat theory and Giddens theory of constructivism. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 2(2), 129-159. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jstmt.2012.54306>
- Jenkins, R. D. (2014). *Social identity*. Routledge, London.
- Jung, C. G. (1969). *Structure and dynamics of the psyche*. Routledge, London.
- Krippendorff, K. (2012). *Content analysis: An introduction to its methodology*. Sage Publication, London.
- Lang, J. (1987). *Creation of architectural theory, the role of behavioral sciences in environmental design*. Van Nostrand Reinhold, New York City.
- Lechet, J. (1994). *Fifty great contemporary thinkers: From structuralism to modernity*. Routledge Press, London.
- Mahdaveinejad, M., & Aghaeimehr, M. (2019). *Principles and foundations of contemporization, contemporary architecture in old, valuable and historic districts*. Tarbiat Modares University Press, Tehran. (In Persian)
- Marcus, C. C. (2006). *House as a mirror of self: Exploring the deeper meaning of home*. Nicolas-Hays, Inc, Haltom City.
- Parsania, H. (2021). *Social worlds*. Bookroom press, Qom. (In Persian)

- Parsania, H., Danaeifard, H., & Hosseini, S. A. (2014). Implications of credit theory for transformation in the humanities. *Journal of Islam and Social Studies*, 2(1), 23-48. (In Persian) <https://ensani.ir/fa/article/408911>
- Pirbabaei, M., & Iranshahi, R. (2020). Analysis of the role of endowment tradition in the development of urban centers based on the constitution theory. *Culture of Islamic Architecture and Urbanism Journal*, 5(2), 17-36. (In Persian) doi: 10.29252/ciauj.5.2.17
- Rapoport, A. (1969). *House form and culture*. Prentice Hall Inc, New Jersey.
- Rapoport, A. (2005). *Culture, architecture, and design*. Locke Science Publishing Co, Bryan.
- Scapens R. W. & Macintosh, N. B. (1996). Structure and agency in management accounting research: A response to Boland's interpretive act. *Journal of Accounting, Organizations and Society*, 21(7-8) 675-690. [https://doi.org/10.1016/0361-3682\(95\)00049-6](https://doi.org/10.1016/0361-3682(95)00049-6)
- Schultz, C. N. (1988). *A choice of architecture: meaning and place*. Rizzoli Publication, New York City.
- Schultz, C. N. (2000). *Architecture: Presence, language and place*. Skira publisher, Milan.
- Sedighi, B. (2010). Gidden's construction theory: theoretical and methodological consequences and its practical application in sociology. *Social Research Quarterly*, 3(9), 142-145. (In Persian) <https://sid.ir/paper/164866/fa>
- Sewell Jr, W. H. (1992). A theory of structure: Duality, agency, and transformation. *American Journal of Sociology*, 98(1), 1-29. <https://doi.org/10.1086/229967>
- Soleimani, M. R., E'tesam, I., & Habib, F. (2017). Reinterpreting the concept and principles of identity in architectural works. *Journal of Hoviatshahr*, 10(25), 15-26. <https://sid.ir/paper/154608/fa>
- Strauss, C. L. (1972). *Structural anthropology*. Penguin Books Ltd, London.
- Tabatabai, M. S. (2008). *Social relations in Islam*. Book Garden press, Tehran. (In Persian)
- Tabatabai, M. S. (2019). *Principles of philosophy and method of realism* (Vol. 2). Sadra Publications, Tehran. (In Persian) <https://motahari.org/product>
- Google Earth. (n.d.). Retrieved January 12, 2021, from <https://earth.google.com/>

فصلنامه علمی پژوهشی  
پژوهش‌های زیست‌محیطی

## **DURABILITY AND DYNAMISM OF CULTURAL IDENTITY IN RECENT RESIDENTIAL COMPLEXES (CASE STUDY: KERMANSHAH RESIDENTIAL COMPLEXES FROM 1980)<sup>5</sup>**

**Moein Aghaeimehr<sup>1</sup>, Minou Gharehbaglou<sup>2\*</sup>, Mohammad Taghi Pirbabaei<sup>3</sup>**

1. Assistant Prof., Department of Architecture and Urbanism, National University of Skills (NUS), Tehran, Iran.

2. Prof., Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

3. Prof., Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

### **Abstract:**

Cultural identity and the analysis of its dimensions and components is one of the most important issues facing developing societies. There are many studies in this field, but no reliable theoretical knowledge has been written, that can provide practical models for the durability and dynamism of cultural identity and illustrate its relationship with architecture. The importance of studying the issue of identity in residential areas is reflected in the impressive changes in the architecture and urban planning of cities in the fourteenth century AH. Developments in residential spaces are gradually doubling after land reform, urban population growth, and the use of new construction technologies. Kermanshah is one of the developing metropolises that had many changes since developments of the Pahlavi period. The purpose of this study is to find the relationship between cultural identity and architecture of residential spaces and explain the position of durability and dynamism in this.

Based on Structuration theory, architecture acts as a social system of reproduction (reflection) of structure, and culture operates as the structure of residential spaces. Structures are "validated" affairs that human creates in interaction with phenomena and the environment, which are continuously recreated and reproduced in the context of society and everyday life. In this approach, structuration is the conditions governing the continuity or deformation of structures, and identity is representation of social systems. So, Analysis of the structural principles of systems focuses on methods of identification and distinguishing identity. If rules and resources that make up a system discovered in the structures, all its components could be explained in its reproduction. The case study is residential species of a part of 22 Bahman district of Kermanshah, from the Islamic Republic period of Iran.

Residential spaces in this research investigated in four types: primitive villas, last villas, primitive apartments, and the last apartments. Then, by conceptualizing in three Categories of individual attitude, social attitude and human attitude to nature and the environment, and by interviewing the inhabitants of residential species, the degree and correlation of durability and dynamism between the sources and rules of cultural identity and residential spaces are analysed and evaluated. Then relation between components of durability and dynamism of cultural identity and architecture of residential spaces is illustrated by charts and tables. Based on the research findings, Regarding the durability and dynamism of cultural identity with the architecture of residential spaces in Kermanshah in recent decades, it can be said that from the 1980 AD until now, the durability of the cultural identity of the family and the architecture of residential spaces has gradually decreased and their dynamism has increased exponentially.

---

۷- This article is extracted from the Dr. Moein Aghaeimehr doctoral dissertation titled 'Explaining The Role Of Durability And Dynamism Of Cultural Identity In Residential Complexes (Case Study: Selected Residential Complexes Of Kermanshah)' in Islamic Architecture, supervised by Dr. Minoo Gharehbaglou and Dr. Mohammad Taghi Pirbabaei, conducted at the Tabriz Islamic Art University.

Regarding the relationship between the cultural identity and architecture of residential spaces, it can be said that although this dynamism is stronger and weaker in some components, it is often analogous in the family culture and the structure of the residential space. In this regard, the contradictory components between the durability and dynamism of cultural identity and the architecture have been revealed in the form of residents' dissatisfaction.

**Keywords:** Cultural Identity, Durability and Dynamism, Kermanshah City, Residential Complexes

آماده انتشار هنرهای زیبا